

نویسنده J : Ratcliff
از مجله سلکسیون فرانسه
ترجمه: احمد راد

رازداری بانکهای سوئیس

[از گجا آوردی و بگجا سپردی]

رازداری کامل بانکهای سوئیس و ثبات و استحکام پول این کشور دارائی همه جهان را بسوی خود جلب می کند

پرده ای از اسرار شکفت انگیز بر روی عده ای از بانکهای غرب سایه افکننده است ، این مؤسسات و مشتریان آنها در نوشته ها و اخبار پلیسی مهمترین نقش را بازی میکنند . مطبوعات جهان بانکهای مزبور را متهم میکنند که ذخیره و دارائی تبهکاران (کانگسترها) امریکائی ، دیکتاتور های امریکای لاین ، دغل بازان و قاچاقچیان ، مختلسین اموال عمومی و دستبرد زندگان به بیت المال ملت های مختلف جهان را از گزند تحقیق و توقیف مصون نگاه میدارند . و نیز آن مؤسسات را متهم میسازند که در بازار سیاه و خرید و فروش کالا های قاچاق و محصولات جنگی بین شرق و غرب دست دارند . وضع به آن درجه از رسوائی رسیده که « اکونومیست لندن » مینویسد : « در این سالهای اخیر از زوریخ کمی بوی نادرستی استشمام میشود » .

اکنون بینیم حقیقت مطلب چیست ؟

میان بانکهای سوئیس با بانکهای دیگر يك اختلاف عمده است و آن پنهان نگاهداشتن همه عملیات بانکی است . بانکداران سوئیس دهانشان دوخته و زبانشان بریده است . اگر در سوئیس رئیس فروشگاه بزرگی بیانکی تلفون کند و بخواهد بداند که آیا فلان شخص در آن بانک حساب دارد یا نه و میزان اعتبار او چیست ، بپهوده بخود زحمت داده و وقت خویش را بیجا تلف کرده است . چنانچه منصدی اعتبارات و کارمند بانکی بی احتیاطی کرده این سر را فاش کند به ۲۰۰۰۰ فرانک سوئیس (در حدود ۳۸۰۰۰ تومان) جریمه نقدی و شش ماه زندان محکوم خواهد شد و برای جبران خسارت ناشی از این عمل نیز مورد تعقیب جزائی واقع میشود .

پولی که بیانکهای سوئیس سپرده میشود چنان ماند که در سینه صحرای سوزان افریقا دفن شده باشد . عده ای از بانکهای سوئیس حتی تابلو و پلاک معمولی ، که بر بالای سردر هر موسسه برای شناسائی آن نصب میشود ندارد . رئیس یکی از این مؤسسات علت آنرا در این جمله کوتاه بیان میکرد : « مشتریان ما میدانند ما کجا هستیم » .

هر گاه یکی از مشتریان خواسته باشد از کلیه مزایای ممکنه اختفا استفاده کند باو کلید رمز و شماره مخصوص داده میشود که جز چند نفر معدودی از رؤسای عالی رتبه بانک کسی از آن آگاهی ندارد . صورت حساب این اشخاص در پاکتهای معمولی و غیر رسمی فرستاده میشود و چنانچه بخواهند که صورت حساب معمولی هم برای آنان فرستاده نشود ، بانک نگاه میدارد و هر موقعه شتری خواست برای او فرستاده خواهد شد .

این رازداری کامل بانکهای سوئیس آیا برای جلب سرمایه‌های خارجی است که از راه نامشروع بدست آمده؟ سوئیس‌ها این اتهام را از خود دفع میکنند و معتقدند که نه چنین است، بلکه این یکی از خصایص اخلاقی ملت سوئیس است.

دکتر **Aschinger**، مفسر مالی نشریهٔ **Neue Zürcher Zeitung** سوئیس میگفت: «احترام گذاشتن بزندگی فردی جزء سرشت ماست. من از آنچه کارمند اطاق مجاور می‌کند خبر ندارم و نمیدانم، کجا منزل دارد، او نیز مانند من است، بهتر هم هست که چنین باشد.» سوئیس‌ها، چون درآمد طبیعی زادگاهشان بسیار اندک است، پیوسته درصدد آنند که برای تأمین معاش خود راه تازه بیابند و وسائل خاصی فراهم کنند. روش‌های مدبرانه... اگر نخواهیم بگوئیم مکارانه... و بسیار زیرکانه که این ملت برای بدست آوردن در آمد بکار میرسد، از روزگار دبرین شهرهٔ جهان بوده است. ولتر (نویسنده معروف فرانسوی) میگوید: «اگر یک بانکدار ژنوی را دیدید که از پنجره‌ای خود را بزیر می‌افکند، می‌توانید بی تأمل به دنبالش بروید، چه بیقین در راه سقوط پولی سراغ کرده است.»

بیطرفی متحد سوئیس در جنگها و انقلابانیکه اروپا را هرچندی بشون کشیده، موجب شده که کشور مزبور پناهگاه مطمئنی برای پنهان کردن پول باشد. پس از دو جنگ جهانی اخیر درازش پول همه ملل اروپا کاهش و تغییرات بسیار پیش آمد، جز فرانک سوئیس که پیوسته اعتبار خود را حفظ کرده و حتی استحکام آن ازدلار، هم بیشتر بوده است. طبیعی است که سوئیس با این ترتیب پناهگاه سرمایه‌جهانیان خواهد شد. هرچند راهی نیست که بتوان رقم حقیقی ذخایر خارجی بانک‌های سوئیس را بدست آورد، ولی حدس زده میشود که در ۵۰ بانک سوئیس ۱۲ میلیارد فرانک سوئیس (قریب ۲۳ میلیارد تومان) از دارائی مردم جهان ذخیره شده باشد.

کاملاً بگناه رازداری سوئیس‌ها آزمایش‌های دشواری را گذرانده. یکی از موارد خطرناک آن سالهای پیش از جنگ اخیر مربوط است. در آن سالها آلمانهای نازی همه را مجبور میکردند دارائی خود را در بانکهای خارجی صورت بدهند و چنانچه معلوم میشد بر خلاف حقیقت صورت داده اند به حبس یا اعدام محکوم میشدند. غالباً اشخاص مظنون یا یکنفر از مأموران گشتاپو برای تشخیص حساب بیانات سوئیس روانه میشدند تا از میزان واقعی موجودی آنان آگاه شوند. اما مأمورین بانک هیچ‌رو حاضر نمی‌شدند که با حضور شخص ثالثی در باره حساب کسی اطلاعی بدهند.

بسا میشد که مأمورین نازی باشکنتجه و آزار شمارهٔ رمز حساب بانک کسی را بدست می‌آوردند و تلگرافی از بانک مربوط میزان موجودی آن شماره را می‌پرسیدند، در اینگونه موارد هم بانکهای سوئیس شرط احتیاط را از دست نمی‌دادند و تا بطور محرمانه از طریق وابستهٔ مخصوص خود در آلمان مطمئن نمیشدند که استعمال کننده شخص دارندهٔ حساب است و الزام و اجباری در کار نیست بتلگراف جواب نمی‌دادند. در سوئیس، برای حفظ سپرده‌های یهودیان بود که در سال ۱۹۳۴ قانونی برای بانکها بتصویب رسید و برای کارمندانی که اسرار بانکی را فاش سازند مجازات‌های سنگین مقرر شد.

در سال ۱۹۴۵ متفقین که در جنگ پیروز شده بودند، از دولت سوئیس صورت اموال و پول آلمانیانی که در بانک آنجا ذخیره بود خواستند ولی سویسیان این درخواست را رد کردند. دول متفق هم کلیه دارائی سویسیان را در لندن و نیویورک متوقف ساختند و از حمل و نقل کالا به مقصد

سوئیس جلوگیری کردند. مضیقه شدید زندگی، در اثر عدم ورود سوخت و سایر مواد اولیه، سوئیس را ملزم به تسلیم کرد. با این حال بانکها حاضر نشدند صورت تفصیلی از حساب مشتریان آلمانی خود بدهند. انجمن رفع خسارات سوئیس بهمین راضی شد که هر بانک فقط میزان کل سرمایه‌ای که آلمانیان در آن بانک دارند صورت بدهد. مجموع دارائی آلمانیان در سوئیس بالغ بر ۱۰۰ میلیون دلار تشخیص داده شد و همین مبلغ مبنای يك قرار داد تجاری گردید.

سوئیسها که طبیعتاً محتاط هستند این روزها مورد حملات دیگری واقع شده اند: عاملان برخی از ممالک پشت پرده آهنگین در پی آنند که بردارائی اتباع خود دست یابند، برای رسیدن باین منظور ناچارند اطلاعاتی از بانک‌های سوئیس بدست آرند. یکی از حیل‌هایی که برای این منظور بکار می‌برند عبارت است از اینکه وجوهی بنام اشخاصی که گمان می‌رود ذخائر در بانک‌های خارج دارند، بی‌بانک مورد نظر تحویل می‌دهند، قبول وجه از طرف بانک دلیل غیر قابل انکار است بر اینکه آن شخص در بانک مزبور حسابی دارد. برای جلوگیری از این حیل، بانک‌های سوئیس اگر وجهی بنام مشتریان از طرف شخص ناشناسی تحویل شود نمی‌پذیرند. دو سال پیش یکی از وابستگان هیأت سیاسی رومانی به علت اینکه بهمین گونه حیل‌های اقتصادی دست زده بود از سوئیس اخراج شد.

در سال ۱۹۵۸ لطمه سختی بحیثیت بانکهای سوئیس وارد آمد، و آن موقعی بود که نماینده یکی از بانکهای بزرگ آنجا در حالیکه برخلاف انتظار دفتر رمزی که شامل شماره‌های حساب و میزان ذخیره اتباع اسپانی بوده همراه داشت، توسط پلیس اسپانی دستگیر شد. بسیاری از دارندگان حساب از شخصیت‌های درجه اول سیاسی بودند و این قضیه رسوائی مالی بزرگی بیار آورد. تمقیب قضیه از طرف دولت فرانکو باخذ ۱۲۰ میلیون یزنا (واحد پول اسپانی) جریمه و ضبط دارائی محکومین در آن بانک (قریب ۷۰ میلیون یزنا) منجر گردید.

آیا بانک‌های سوئیس برای حفظ دارائی تبهکاران (کانگستر) پناهگاه مطمئن وامنی است؟ البته بس نادر است که بانکهای درستکار و مورد احترام بقبول حساب اینگونه اشخاص تن در دهند، بااینهمه در سوئیس نیز، مانند کشور های متحده امریکا و فرانسه و ممالک دیگر، بانک‌هایی هست که از پذیرفتن حساب تبهکاران خودداری ندارند. گذشته از این بانکهای سوئیس برای تبهکاران دارای مزایاییست که بانکهای کشورهای دیگر فاقد آن است: علاوه بر اینکه حکومت کشور اصلی تبهکاران را برپولی که آنان بی‌بانک‌های سوئیس می‌سپارند تسلطی نیست، خود حکومت سوئیس هم هرگز نتوانسته در حصار سکوتی که بانکهای آن کشور را دربر گرفته شکافی باز کند، با اینکه چند بار هم بوسائل قضائی متشبه شده است. دوسال پیش مأموران کشف قاچاق مواد مخدره، بر شبکه وسیعی از قاچاقچیان دست یافت. در ضمن تحقیقات پلیس مدارکی بدست آمد که معلوم می‌داشت حداقل این دسته ۷۰۰۰۰ دلار بسه بانک سوئیس منتقل کرده‌اند. مأموران معتقد بودند که مبلغ انتقالی باید خیلی بیش از این مبلغ باشد ولی بعثت راز داری کامل بانکهای سوئیس وسیله‌ای برای اثبات بدست نیامد و نتوانستند محل دارائی آنان را کشف کنند.

در مطبوعات جهان بارها از مبلغ‌های مهمی که دیکتاتور های کنونی یا گذشته امریکای لاتین (بانیستا دیکتاتور سابق کوبا، اولیز دیکتاتور گواتمالا و غیره...) بی‌بانک‌های سوئیس سپرده‌اند سخن رفته است. بنابر مندرجات روزنامه‌ها در رأس این صورت باید نام پرون دیکتاتور آرژانتینی را قرار داد که در سال ۱۹۴۷ کمزش بگردش اروپا رفته بود ۱۰۰ میلیون دلار با خود بر تن برد. اما باید دانست

که بسیاری از این داستانها پایه و مایه درست ندارد و بیشتر مبتنی بر حدس و گمان است ، یکی از بانکداران مهم ژنو در این باب می گفت : « از اینگونه سپرده‌ها بی‌شک در بانکهای سویس فراوان است همچنانکه در بانکهای نیویورک ولندن نیز نظایر آنها موجود است . ولی من با اطلاعی که از روحیه دیکتاتورها دارم اعتقاد این است که این قبیل اشخاص ترجیح می‌دهند که دارائی خود را در چمدانی پنهان کرده همیشه بالای بستر خود قرار دهند تا در موقع فرار بی‌درد و سرفوری در دسترس آنان باشد و باخود ببرند .

برطبق قانون سویس ، هر مبلغ سپرده بی‌نام که مورد مطالبه واقع نشود بی‌بناک تعلق می‌گیرد و نه بدولت . گفته میشود مبلغ معینی بهی‌از این راه عاید بانک های سویس شده مانند دارائی خانواده هائی که بدست نازیها از بین رفته‌اند ، دیکتاتورهای که ناگهان کشته شده‌اند و موارد بسیاری دیگر از این قبیل .

پسر پادشاه سابق یوگوسلاوی که اکنون باوضع ساده‌ای در مناکو بسر میبرد جداً معتقد است که پدرش الکساندر شاه اسبق مبلغ مهمی بحساب های بی‌نام در سویس داشته است . او بسیار کوشید که شاید اثری از آن بدست آرد ، اما بانکهای سویس مدعی هستند که عملاً حسابهای مطالبه نشده‌ای وجود ندارد و همه دارندگان حسابهای بی‌نام معمولاً يك یا چند نفر را معین می‌کنند که پس از مرگشان حق استفاده از آن حساب را داشته باشند . مهمترین شکایاتی که از روش کار دستگاههای بانکی سویس میشود این است که این کشور پایگاه مطمئن و امنی برای دارائی تبهکاران و دغل بازان مالی ممالک جهان شده است .

یکی از بانکداران سویس بصراحت تصدیق می‌کرده که ، از موقع گشایش حسابهای مهم بی‌نام خارجی ، این نوع تبهکاریها پایه گذاری شده است .

پیش از آنکه بانکهای سویس در این راه گام بردارند ، یکی از بانکهای خارجی ژنو در مطبوعات ممالک متحده امریکا باشکارا مردم را دعوت کرد که برای پنهان نگاهداشتن دارائی خود فرار از مالیات ، حساب بی‌نامی در آن بانک باز کنند (قابل توجه اینکه این بانک متعلق بامریکائیان بود) . نخستین مردمی که دارائی خود را بسویس انتقال دادند فرانسویان بودند و بعد ایتالیائی ها ، پس از آنان آلمانیان و سپس امریکائیان .

گاه باشد که ماموران مالیاتی ممالک خارجی اثر دارائی اشخاص را تا ورود بکشور سویس تعقیب کرده‌اند ولی همینکه بآنجا رسیده‌اند بمانع غیر قابل نفوذی برخوردند . زیرا بانکهای سویس از معرفی مشتریان خویش خودداری می‌کنند .

چنان مینماید که علی‌رغم اعتراضات اشخاص و ممالک ذی‌نفع ، از لحاظ حفظ امنیت مالی و اعتماد بانکی که جهان‌بدان نیازمند است ، و بعلت رازداری که قرن‌هاست جزء سرشت سویسیان شده بانکهای سویس کماکان در حفظ اسرار مشتریان خود پافشاری خواهند کرد و دغل بازان جهان باخیالی آسوده به تبهکاری خود ادامه خواهند داد .